

عقاید و آرای مورد قبول گروه و جمعیتی است. این که گفته می‌شود که مکتب ظاهری یا مکتب اخباری بر این باورند، این باور خود یکی از متفرعات عقیده و مرام آنان است و به نظر نمی‌رسد که صرف اعتقاد به سکوت یا عدم سکوت، خود تشکیل یک مکتب را بدهد تا بتوان قایل به «مکتب سکوت» و «مکتب عدم سکوت» شد.

ثالثاً- در بحث از این که مسائل شرعی را می‌توان به ثوابت و غیر ثوابت تقسیم نمود، گفته شده است که شارع در ثوابت نظر خود را اعلام داشته لذا سکوت موضوعیت ندارد! اما در غیر ثوابت سکوت درست است؟! سؤال این است که آیا از سکوت و عدم سکوت شارع می‌توان ثوابت و غیر ثوابت را تشخیص داد یا بدو باید معیار دیگری یافت تا با آن ثوابت و غیر ثوابت را از یکدیگر باز شناخت؟ بدیهی است که روش منطقی این روش دوم است. در این صورت سؤال بعدی این است که این معیار چیست؟

ورود نویسنده محترم در این مقوله می‌توانست راهگشای پاره‌ای از مشکلات قانونی باشد و گرنه بدون تحلیل مسأله و ارائه معیار بر چه اساسی می‌توان سخن «آیت اله شمس‌الدین را پذیرفت که تیریرات (غیر ثوابت) حتی اگر در ققه هم ذکر شوند حکم شرعی نیستند؟



نقد لایحه مبارزه با پول شویی

محمد موسوی مقدم^(۱)

مقدمه

علی‌رغم این که پول شویی،^(۲) اهمیت و آثار آن سالهاست توجه قانونگذاران کشورهای گوناگون را به خود جلب کرده است و قوانینی در مبارزه با آن وضع نموده‌اند، و علی‌رغم این که پول شویی در ایران به سبب شرایط خاص، مستلزم توجه ویژه است، اما جز

۱- قاضی دادگستری کرج

۲- پول شویی یا تطهیر درآمدهای ناشی از جرم‌برگردان واژه Money Laundering است که به معنای: «فرآیندی است که برگردان واژه طی آن منبع اصلی درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه، مخفی نگاه داشته شده و به این درآمدها جلوه‌ای پاک و حاصل از اعمال قانونی بخشیده می‌شود. (به کتاب تطهیر درآمدهای ناشی از جرم «پول شویی» تألیف محمد موسوی مقدم، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۴ مراجعه شود).

موادی پراکنده^(۱) از برخی قوانین که به نحوی محدود و بعضاً غیر صریح و با داشتن ابهامات، نواقص و محدودیتهایی به موضوع پول شویی مربوط می‌گردند، قانون خاصی در مبارزه با پول شویی، در نظام حقوقی ایران وضع نشده است. حتی با وجود این که جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد که اولین مصوبه بین‌المللی در امر مبارزه با پول شویی است، ملحق گردیده است، اما به تکلیف مندرج در این کنوانسیون در خصوص وضع قانون داخلی در مبارزه با پول شویی و جرم‌انگاری آن عمل نکرده است. و با این کار الحاق به کنوانسیون مذکور به اقدامی بیهوده بدل شده است. چرا که کنوانسیون مذکور تنها جنبه ارشادی دارد و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی تعیین نکرده است. در این کنوانسیون به کشورهای عضو تکلیف شده است تا اعمالی را که در کنوانسیون مذکور به عنوان مصادیق پول شویی بر شمرده شده است، جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نمایند. بدیهی است تا زمانی که در قوانین داخلی ایران، قانونی در جرم شناختن اعمال مذکور تصویب نشود، صرف الحاق به کنوانسیون، موجب نمی‌شود این اعمال در نظام حقوقی ایران جرم تلقی گردد. به خصوص این که در کنوانسیون مذکور هیچ مجازاتی برای مرتکبین اعمال مورد نظر تعیین نشده است.

مع الوصف علی‌رغم این که برای مبارزه با پول شویی اقداماتی همچون [اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از وقوع جرایم دارای درآمدهای مالی و به عبارتی کاهش جرایم مینا، تمرکز تعیین نوع و میزان مجازاتهای اعمال شده بر مجرمین، برای دستیابی به هدف اصلاح مجرم و باز اجتماعی کردن وی و اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی بویژه روند قانونگذاری با نگرش به مسائل جرم‌شناسانه و برای دستیابی به قوانینی مانند زمینه‌های جرم‌زا]، ضروری و مقدم بر جرم‌انگاری پول شویی به نظر می‌رسد، اما لایحه مبارزه با پول شویی پس از تأیید کمیته پیشگیری و اصلاحات ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و تصویب هیأت دولت و با تکیه بر جرم‌انگاری پول شویی و البته با تأخیری چند ساله، تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید.

ایجاد شفافیت در اقتصاد، برقراری انضباط مالی، جلوگیری از نقل و انتقال اموال و وجوه غیرقانونی، امکان نظارت بر گردش پول و کالا در کشور، جلوگیری از ورود وجوه و اموال

۱- همچون ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹: «هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات، باطل و بلااثر است. انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد.»

غیر قانونی به اقتصاد ملی و حمایت از هرگونه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد امنیت اقتصادی و جلوگیری از خروج سرمایه، علت تدوین لایحه مذکور ذکر شده است. لایحه مذکور دارای ایراداتی به شرح زیر است:

۱- پول شویی معادل ترکیب Money Laundering است. در برگردان این عبارت Money Laundering واژه هایی چون پاک سازی پول، پول شویی، تطهیر پول، شست و شوی اموال کثیف ناشی از جرم، سفید کردن پولهای سیاه و... دیده می شود که به نظر می رسد «عبارت تطهیر درآمدهای ناشی از جرم، بر دیگر برگردانها ترجیح داشته باشد»^(۱) زیرا هرچند پول شویی برگردان واژه به واژه Money Laundering است. اما اولاً عواید ناشی از ارتکاب جرم تنها پول نیست. بلکه کلیه اشیا یا حقوق دارای ارزش مالی می تواند در اثر ارتکاب جرم به دست آید. لذا در فرضی که در اثر ارتکاب جرم، مالی غیر از پول حاصل آید، از شمول مصادیق مفهوم واژه پولی شویی خارج می شود. در حالی که «درآمد» در برگیرنده همه اموال - اعم از نقد یا غیر نقد، مال منقول یا غیر منقول، عین یا منفعت و... می گردد.^(۲)

ثانیاً، پول شویی واژه ای غیر حقوقی و به عبارتی عامیانه است که انتقال دهنده مفهوم حقوقی لازم نمی باشد. لذا شایسته بود به جای واژه پول شویی، عبارت «مبارزه با تطهیر درآمدهای ناشی از جرم» برای قانون انتخاب می گردید.

۲- ماده یک لایحه در تعریف پول شویی مقرر می دارد: «هرگونه فعل یا ترک فعل که برای قانونی جلوه دادن وجوه یا اموال با منشأ غیر قانونی صورت گیرد، پول شویی محسوب می شود و از نظر این قانون جرم است» و همچنین وجوه یا اموال غیر قانونی، وجوه یا اموالی دانسته شده که از طریق فعالیتهاى خلاف قانون مانند ارتشاء، اختلاس،

۱- محمد موسوی مقدم، اثر یاد شده، ص ۹

۲- بند (ض) ماده یک کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان وین ۱۹۸۸ مقرر می دارد: «مال به معنای هرگونه دارایی مادی یا معنوی، منقول یا غیر منقول، محسوس یا غیر محسوس، اوراق و یا اسناد قانونی دال بر داشتن مالکیت و یا سهم در دارایی های مزبور می باشد»

تبانی در معاملات دولتی، کلاهبرداری، قاچاق کالا و جرایم مربوط به مواد مخدر، فحشا، قمار، ربا و سرقت حاصل شده یا بر خلاف قانون نزد اشخاص باقی مانده است.^(۱) این در حالی است که اولاً؛ با توجه به این که جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد.^(۲) مسلماً اموال با منشأ غیرقانونی، با اموال دارای منشأ مجرمانه تفاوت دارد. زیرا هر عمل غیرقانونی، عمل مجرمانه محسوب نمی‌شود، هرچند هر عمل مجرمانه‌ای، عمل غیرقانونی است. ثانیاً؛ علی‌رغم این که در متن لایحه از عبارت «اموال دارای منشأ غیرقانونی» استفاده شده است. اما مصادیق برشمرده شده، اعم از ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی و... همگی عناوین مجرمانه هستند. ثالثاً؛ در ماده ۵ لایحه در بیان حکم جمع مجازات‌ها آمده است: «مجازات‌های قانونی پیش‌بینی شده در سایر قوانین برای تخلفات و جرایم مسند پول‌شویی از قبیل اختلاس، ارتشاء و قاچاق به قوت خود باقی است و مجازات‌های مقرر در این قانون مستقل و اضافه بر آنها اعمال خواهد شد» که مبین ضرورت حصول اموال موضوع اقدامات پول‌شویانه از ارتکاب اعمال مجرمانه است.

بنابراین لازم بود به جای عبارت «با منشأ غیرقانونی» از عبارت با منشأ مجرمانه استفاده می‌گردید تا از حدوث شبهه در مورد قابلیت شمول لایحه مذکور بر اموال ناشی از اعمال غیرقانونی همچون غصب که فاقد وصف کیفری هستند، جلوگیری به عمل آید. ۳- گاه از اموالی که به طور مستقیم از ارتکاب عملی مجرمانه به دست می‌آید، مال یا نفعی دیگر پدید می‌آید. که مال اخیر غیر مستقیم ناشی از ارتکاب عمل مجرمانه اصلی محسوب می‌گردد. مثلاً با پول حاصل از اختلاس، اوراق بهادار همانند سهام شرکت سهامی عام خریداری می‌گردد که در نتیجه افزایش قیمت یا تعلق سود به سهام خریداری شده، بر میزان پول اولیه افزوده می‌شود. و یا مال حاصل از عمل مجرمانه، به مال دیگری تبدیل می‌گردد که لازم است در این باره و بویژه وضعیت حقوقی این گونه

۱- ماده ۲ لایحه

۲- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی

اموال و چگونگی مصادره آنها مقررهای در لایحه تنظیم و پیش‌بینی می‌شد.

۴- مصادیق پول‌شویی در ماده ۳ لایحه آمده است که عبارت‌اند از: انعقاد هرگونه قرارداد در رابطه با وجوه یا اموال مذکور، انتقال واقعی یا صوری آنها، پذیرش، تملک یا هرگونه استفاده از اموال مذکور^(۱) این در حالی است که اولاً، در تعریف مقرر در ماده یک لایحه پول‌شویی؛ «هرگونه فعل یا ترک فعل که برای قانونی جلوه دادن وجوه یا اموال با منشأ غیرقانونی صورت گیرد...» ذکر شده است.

ثانیاً همه مصادیق مندرج در ماده ۳، فعل مثبت مادی هستند و با ترک فعل محقق نمی‌شوند. ثالثاً قانونی جلوه دادن وجوه یا اموال دارای منشأ غیرقانونی، جز با ارتکاب فعل مثبت مادی محقق نمی‌شود، لذا با توجه به مراتب و این که جرایمی که در سایر مواد لایحه ذکر شده‌اند، مصادیق پول‌شویی نبوده بلکه، جرایم مرتبط با پول‌شویی هستند، لازم بود، در تعریف پول‌شویی مندرج در ماده یک، عبارت «ترک فعل» حذف می‌گردید.

۵- مصادیق پول‌شویی به نحوی محدود و محصور بر شمرده شده‌اند. به گونه‌ای که مانع از ورود موارد دیگر در عداد مصادیق پول‌شویی گردیده است. چه هرگاه اقدامات انجام یافته در راستای تطهیر درآمدهای ناشی از جرم غیر از مصادیق و موارد مصرح در بندهای دوگانه ماده ۳ باشد، فاقد وصف کیفری خواهند بود. که این امر با هدف تدوین و

۱- بند ب ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مبارزه با مواد مخدر، ۱۹۸۸، در بیان مصادیق پول‌شویی مقرر می‌دارد: «ب ۱- تبدیل و یا انتقال اموال با علم به این که اموال مزبور ناشی از ارتکاب جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی الف این بند بوده و یا مشارکت در جرم و یا جرایم مزبور به منظور اخفا و یا کتمان اصل نامشروع اموال و یا معاونت با هر شخصی که در ارتکاب چنین جرم یا جرایمی دست داشته جهت فرار از عواقب قانونی اقدامات خود. ۲- اخفا و یا کتمان ماهیت واقعی منبع، محل واگذاری، جابه‌جایی حقوق مربوط و با مالکیت اموال مزبور با علم به این که این اموال از جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی الف این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی، ناشی گردیده‌اند.

ج: مشروط بر اصول و مفاهیم مذکور در قوانین اساسی و با عادی هر یک از اعضا:

۱- تحصیل، تملک و یا استفاده از اموال مزبور، با علم به این که این اموال از ارتکاب جرم یا جرایمی ناشی گردیده‌اند. ۲- در اختیار داشتن تجهیزات و یا مواد و یا اشیاء مذکور در جدول ۲و۱ با علم به این که اقلام مزبور به منظور کشت غیرقانونی، تولید و یا ساخت مواد مخدر و یا داروهای روان‌گردان مورد استفاده قرار گرفته و یا خواهند گرفت. ۳- تشویق و یا ترغیب علنی دیگران به هر وسیله‌ای به منظور ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این ماده و یا استعمال غیرقانونی مواد مخدر و یا داروهای روان‌گردان. ۴- شرکت، همکاری و یا تبانی در شروع به جرم، معاونت، مشارکت، تسهیل و تشویق ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این ماده.

تصویب این لایحه همخوانی ندارد. مثلاً شخصی بدون استفاده یا تملک یا تحصیل مال مبادرت به نقل و انتقال جغرافیایی مال حاصل از جرم در راستای تطهیر آن نماید و یا اسنادی برای آن وجوه و قانونی جلوه دادن آنها جعل کند تا آنها را ناشی از یک سرمایه‌گذاری قانونی نشان دهد. که در این فروض به علت قرار نگرفتن اعمال ارتكابی در دایرهٔ شمول مصادیق مندرج در مادهٔ ۳، پول‌شویی تلقی نمی‌گردد و مرتکب براحتهی از چنگال عدالت می‌گریزد.

۶- در متن مادهٔ ۳ لازم بود عبارت «برای قانونی جلوه دادن وجوه یا اموال ناشی از جرم» به بعد از «هر شخص عالماً و عامداً» اضافه می‌گردید. چه در وضع حاضر، انعقاد قرارداد برای مثلاً نگهداری خودرو یا ساختمان یا هر مالی که از طریق کلاهبرداری یا هریک از جرایم دیگر حاصل شده است، با علم به این که مال ناشی از کلاهبرداری است و با قصد و ارادهٔ انعقاد قرارداد، صورت پذیرد، مشمول حکم مادهٔ ۳ لایحه قرار می‌گیرد. در حالی که این اندازه از اقدام، هرگز پول‌شویی محسوب نمی‌گردد.

۷- در مورد وضعیت حقوقی قراردادهای متضمن انتقال واقعی اموال ناشی از جرم و سرنوشت اشخاص با حسن نیت تصمیم‌گیری نشده است. که با توجه به ضرورت حفظ حقوق اشخاص با حسن نیت که بدون علم به منشأ اموال مذکور، در خصوص اموال مذکور معاملاتی انجام دهد، ضروری است دربارهٔ سرنوشت این‌گونه اشخاص و جلوگیری از تزییع حقوق آنان، تصمیم‌گیری شود.

۸- در بند الف مادهٔ ۴ لایحه «عدم ارائهٔ اطلاعات در مورد وجوه یا اموال موضوع مادهٔ ۲ این قانون توسط اشخاص حقوقی یا حقیقی از قبیل بازرسان، حساب داران، حساب رسان، کارشناسان، وکلا و مشاوران به مراجع ذیصلاح قانونی» جرم دانسته شده است. در حالی که اولاً؛ لازم بود ابتدا افراد مذکور در شرایط معینی مثلاً اطلاع از پول‌شویی به سبب شغل مکلف به ارائهٔ اطلاعات می‌شدند، سپس به عنوان ضمانت اجرای عدم انجام تکلیف قانونی، مجازات تعیین می‌گردید. در حالی که در وضع موجود مشخص نیست این افراد تحت چه شرایطی مکلف به ارائهٔ اطلاعات هستند. تنظیم ماده

به شکل حاضر این شائبه را پدید می آورد که عدم ارائه اطلاعات تنها در صورت مطالبه، مشمول این بند قرار می گیرد. و این افراد رأساً مکلف به ارائه اطلاعات نیستند. ثانیاً؛ مراد از مراجع ذیصلاح مشخص نیست. آیا مراد مراجع ذیصلاح در امر مبارزه با پولشویی است؟ یا توجه به این که در این لایحه تشکیل ستاد مبارزه با پولشویی پیش‌بینی شده است قید واژه «مراجع» انتظار وجود مراجع دیگر را پدید می آورد که نامشخص هستند. ثالثاً لازم بود کارمندان دولت و مؤسسات مالی و اعتباری نیز برای جلوگیری از ایجاد ابهام در عداد افراد مذکور ذکر می شدند.

۹- در بند ۴ از ماده ۴ افشای اطلاعات به دست آمده در جریان مبارزه با پولشویی تنها در صورتی جرم دانسته شده است که از سوی افراد مشخصی صورت پذیرد^(۱) در حالی که افرادی غیر از اشخاص مصرحه در این بند می توانند به اطلاعات مذکور دست یافته و آنها را افشا نمایند. لذا لازم است افشای اطلاعات مذکور از سوی هر کس ارتکاب یافت، واجد وصف مجرمانه باشد. و البته برای اشخاص مذکور مجازات شدیدتری تعیین گردد. همچنین مشخص نیست دست‌یابی به اطلاعات مذکور باید به سبب شغل یا وظیفه باشد تا مشمول بند مذکور گردد یا طریق تحصیل آن

۱- ماده ۴ لایحه: «هر شخص عالماً و عامداً مرتکب یکی از افعال یا ترک افعال زیر شود، به جزای نقدی معادل یک دهم تا یک پنجم وجوه یا اموال مورد تخلف محکوم می شود:

الف - عدم ارائه اطلاعات در مورد وجوه یا اموال موضوع ماده ۲» این قانون توسط اشخاص حقوقی یا حقیقی از قبیل بازرسان، حساب داران، حساب رسان، کارشناسان، وکلا و مشاوران به مراجع ذیصلاح قانونی.
ب - انجام هرگونه اقدامات اداری درباره وجوه یا اموال موضوع ماده ۲» این قانون مانند ثبت در ادارات ثبت اسناد و املاک، دفاتر اسناد رسمی، شهرداریها، بانکها، مؤسسه‌های مالی و اعتباری و صندوقهای قرض الحسنه.
پ - ارائه هرگونه اطلاعات غیرواقعی در رابطه با پولشویی به مأموران دولتی یا سایر اشخاص ذیصلاح نظیر حساب داران، حساب‌رسان و کارشناسان رسمی دادگستری.

ت - افشای اطلاعات به دست آمده در جریان مبارزه با پولشویی توسط مأموران دولتی و اشخاص مذکور در ندهای الف و ب این ماده با استفاده از آن به نفع خود یا دیگری توسط آنها.

ث - هرگونه اقدام برای اختفای فیزیکی یا تغییر شکل مال و یا وجه غیرقانونی و آثار و اسناد و مدارک حاکی از جرایم مرتبط با قانون و در اختیار مراجع ذیصلاح قرار ندادن آنها.

ج - هرگونه مساعدت در رابطه با پولشویی توسط اشخاص.

تبصره - در خصوص استفاده از اطلاعات مذکور در بند «ت» این ماده به نفع خود یا دیگری، مرتکب علاوه بر مجازات مقرر در این ماده به ضبط درآمدهای حاصله نیز محکوم می شود.

خصوصیتی ندارد.

۱۰- در بند «ج» از ماده ۴ لایحه «هرگونه مساعدت در رابطه با پول‌شویی توسط اشخاص» جرم دانسته شده و مرتکب مستوجب مجازات مقرر در ماده مذکور شناخته شده است. اما با توجه به این که مساعدت در ارتکاب جرم تنها یکی از مصادیق معاونت در جرم است لازم است قانونگذار معاونت در ارتکاب جرم پول‌شویی را خواه از طریق مساعدت و خواه از دیگر صور مصرح در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰^(۱)، جرم تلقی نماید.

۱۱- نظر به این که حسب ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی در نظام حقوقی ایران اصل بر جرم نبودن شروع به جرم است مگر این که قانونگذار به صراحت شروع به ارتکاب جرمی را واجد وصف کیفری بداند.^(۲) لذا لازم است در قانون مبارزه با پول‌شویی، برای ثمربخشی مبارزه با آن، شروع به جرم تطهیر پول، جرم تلقی گردد.

۱۲- به موجب ماده ۶ لایحه: «کلیه اموال یا وجوه که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تحصیل شود مادام که غیرقانونی بودن آن اثبات نگردد قانونی تلقی می‌شود. هرگاه در دادگاه صالح ثابت شود که منشأ مال یا وجه غیرقانونی است متخلف به مجازاتهای مقرر در ماده ۳ محکوم می‌شود. اولاً؛ در این ماده و مواد دیگر «مال یا وجه» همراه هم به کار برده شده است که با توجه به این که واژه مال در برگیرنده مفهوم وجه نیز می‌باشد، به کار بردن این دو واژه فاقد زیبایی ادبی است. ثانیاً؛ جرم دانستن صرف در اختیار داشتن مال دارای منشأ غیرقانونی بدون آن که علم متصرف به غیرقانونی بودن منشأ مال شرط باشد، فاقد وجاهت عقلی و منطقی است. ثالثاً نگارش ماده به گونه‌ای

۱- ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از عطف و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند:

۱- هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود. ۲- هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

۲- هرکس عالماً و عامداً و وقوع جرم را تسهیل کند...»

است که حسب آن شخصی که از دیگری کلاهبرداری کرده و مالی به دست آورده است [مباشر جرم کلاهبرداری] را نیز می‌توان به سبب در اختیار داشتن مال حاصل از کلاهبرداری به مجازات مندرج در ماده ۳ محکوم کرد. در حالی که شخص کلاهبرداری می‌کند، سرقت می‌کند و... تا به مالی دست یابد. به عبارتی ارتکاب جرم دارای نفع مادی و نگهداری مال حاصل از عمل مجرمانه، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. بنابراین شایسته نیست شخص را یک بار به سبب ارتکاب جرم مینا، به مجازات محکوم کرد. و یک بار دیگر به سبب در اختیار داشتن اموال ناشی از ارتکاب جرایم مذکور. البته هرگاه مباشر جرم مینا برای تطهیر درآمدهای حاصله، دست به عملی بزند که از مصادیق تطهیر پول باشد که فراتر از صرف نگهداری مال باشد، لازم است به مجازات مقرر برای پول‌شویی محکوم شود.

۱۳- «هرگاه شخصی حقوقی از منافع حاصله از جرم منتفع شده باشد، این شخص متضامناً با اشخاص حقیقی متخلف از قبیل مدیران و کارکنان، نسبت به اصل وجوه یا اموال و عایدات و جرایم متعلقه مسؤلیت دارد.»^(۱) مقررۀ مندرج در این ماده برای دست‌یابی به اموال در فرض معسر بودن مدیران و کارکنان، مفید است. اما با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها و ضرورت اعمال مجازات تنها بر شخص مجرم و این که شخص حقوقی، شخصیت حقوقی‌ایی مجزا از مدیران خود دارد، تحمیل مسؤلیت تضامنی نسبت به مجازات نقدی‌ای که مدیر یا مدیران آن شخص حقوقی به پرداخت آن محکوم شده‌اند، بر خلاف اصل شخصی بودن مجازات‌هاست. ضمن این که مسؤلیت مدنی شخص حقوقی نیز باید به میزان بهره‌مندی شخص حقوقی از اموال ناشی از جرم باشد. نه بیش از آن.

۱۴- در قسمت اخیر ماده ۷ آمده است: «هرگاه معلوم شود که وجوه و اموال غیر قانونی به نحوی از متصرف غیر قانونی اعم از شخص حقیقی و حقوقی به دیگری منتقل

گردیده و فعلاً در اختیار او نیست، متصرف فعلی به حکم ضمان ایادی متعاقبه ضامن است...» به نظر می‌رسد عبارت «متصرف فعلی» از روی مسامحه به کار رفته است. شایسته بود از عبارت «آخرین متصرف یا متصرف اخیر» استفاده می‌شد. چه وقتی مال در اختیار او نباشد چگونه می‌تواند متصرف فعلی محسوب شود. در این صورت هرگاه مال در ید شخصی تلف گردد یا به مالی دیگر تبدیل گردد نمی‌توان وی را متصرف فعلی و مشمول حکم مقرر در ماده ۷ دانست.

۱۵- به موجب ماده ۱۰ لایحه، عدم رعایت مقررات مندرج در آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون دربارهٔ ارائهٔ اطلاعات معاملات و اموال مشکوک، ارائه اسناد و مدارک لازم و تعیین هویت را جرم دانسته است. در حالی که از یک سو هنوز آیین‌نامه‌ها تدوین نشده‌اند و در واقع عنصر مادی جرم نامشخص است. و از دیگر سو به قوهٔ مجریه، اجازه داده می‌شود که هر فعل یا ترک فعلی را در قالب آیین‌نامه قرار داده و بدین طریق عدم انجام آن فعل یا ترک فعل را وصف مجرمانه ببخشد. لذا لازم بود در مورد کلیه موارد مربوط به اجرای قانون مبارزه با پول‌شویی در قانون مربوطه تعیین تکلیف می‌شد. و در آیین‌نامه‌ها تنها به ضوابط و آیین اجرای قانون مذکور پرداخته شود.

۱۶- «مسئولیت عملیات اجرایی این قانون به عهدهٔ پلیس مالی می‌باشد. دولت موظف است لایحهٔ تشکیل پلیس مالی را تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

این در حالی است که اولاً؛ محدودیت زمانی برای تنظیم لایحهٔ تشکیل پلیس مالی تعیین نشده است و این امر به دولت این امکان را می‌دهد که با تأخیر در تنظیم و تقدیم این لایحه عملاً اجرای قانون مبارزه با پول‌شویی را غیر ممکن نماید. ثانیاً؛ در مورد چگونگی انجام عملیات اجرایی تا قبل از تشکیل پلیس مالی تصمیم‌گیری نشده است. ثالثاً؛ مراد از عملیات اجرایی مشخص نیست. آیا مراد انجام تحقیقات و بررسیهای مالی است یا تعقیب و دستگیری متهمان را هم شامل می‌شود. رابعاً؛ همان گونه که در مورد ترکیب و وظایف شورای عالی مبارزه با پول‌شویی در این لایحه تعیین تکلیف شده است

شایسته است قانونی جامع دربارهٔ مبارزه با پول‌شویی تصویب گردد و در مورد تمامی موارد مرتبط با آن، اتخاذ تصمیم گردد. و از تصویب قوانین متعدد مرتبط نیز آیین‌نامه‌های در حکم قانون خودداری به عمل آید.

۱۷- «کلیه دادگاهها اعم از عمومی، انقلاب، نظامی و ویژهٔ روحانیت، حسب مورد صلاحیت رسیدگی به جرایم مذکور در این قانون را دارند.»^(۱) اما شایسته بود با توجه به این که دادگاه نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی است و دادگاه انقلاب که صالح رسیدگی به جرایم مشخصی است^(۲) از عداد دادگاههای صالح به رسیدگی به جرایم موضوع قانون مبارزه با پول‌شویی خارج می‌شدند و تنها دادگاه عمومی و حسب مورد دادگاه ویژهٔ روحانیت صالح به رسیدگی به این جرایم شناخته می‌شدند. ضمن این که با توجه به صلاحیتهای دادگاههای انقلاب و نظامی، نمی‌توان مواردی را یافت که حسب مورد صالح به رسیدگی به جرایم مرتبط با پول‌شویی باشند. مگر مراد این باشد که جرایم مبنای پول‌شویی هرگاه در صلاحیت این دادگاهها باشند، دادگاههای مذکور صالح به رسیدگی به جرایم مربوط به پول‌شویی هم خواهند بود. که شایسته است در این باره تصریح به عمل آید.



انتقاداتی بر قانون رسیدگی به تخلفات قضات

✍ حمیدرضا سقزچی *

در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی طرح رسیدگی به

۱- مادهٔ ۱۳ لایحه.

۲- مادهٔ ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، دادگاه انقلاب را صالح به رسیدگی به جرایم: ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی‌الارض. ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری. ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام. ۴- جاسوسی به نفع اجانب. ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر. ۶- دعوای مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.

* - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی